

برای نیمن

# نَمی از یَم

(از اسرار قرآن کریم)\*

راجع به حروف مقطعه قرآن کریم باید گفت که این حروف از دیرباز تاکنون همواره و پیوسته از آغاز و معماهای این کتاب آسمانی به شمار بوده و هست، و مفسران قرآن کریم در گزارش و توضیح آنها نظریات مختلفی را اظهار کرده‌اند؛ برخی گفته‌اند: این حروف از اسماء الله و نامهای الهی است که آن را ویژه علم و آگاهی غیبی و نهانی خود قرار داده است. عده‌ای دیگر می‌گویند: این حروف، اسم اعظم پروردگار متعال را ارائه می‌نماید. و برخی را عقیده بر آن است که عبارت از حروفی هستند که فرشتگان به وسیله رهنمود آن، کاخهایی را در بهشت بنا می‌کنند. گروهی نیز می‌خواندند: «ا، ل، م، ذلک الكتاب لا ریب فیہ» یعنی خداوند متعال می‌گوید: ما از سنخ همین حروف عادی، چنین نوشتاری را پرداختیم که در آسمانی بودن آن تردیدی نیست. ما می‌خواهیم علی‌رغم آنکه این حروف ساده به آسانی در دسترس تمام بشر قرار دارد بشر با آن تحدی و هم‌آوردی کرده و مانند آن را بپردازد.

اکثر مفسران، خود با گفتن **اللّٰهُ اَعْلَمُ** خویشان را از تحمل رنج تفسیر آنها خلاص نمودند.

لکن ما اخیراً با کوششی شهادت‌آمیز و تحقیق پرتلاشی برای کشف مدلول عددی و ریاضی این حروف برمی‌خوریم که برادر، «رشاد خلیفه» با به‌کار گرفتن کامپیوتر بدان روی آورده و به نتایجی اهتمام برانگیز دست یافت. او از طریق إحصاء و آمارگیری بدین نتیجه رسید که افتتاح طلیعه هر سوره در قرآن کریم با حروف مقطعه معین، همواره برابر با **تَفْوُوقِ** ریاضی معدل توارد و تکرار این حروف در خود آن سوره

می‌باشد. مثلاً در سوره ق می‌بینیم که حرف «ق» در همین سوره با معدل و حاصل جمعی بالاتر از سایر حروف، تکرار شده است، و نیز معدل همین حرف ق در سوره «ق»، بالاترین معدل در تمام سوره قرآن می‌باشد.

همین مطلب در مورد حرفهای «ا، ل، م» در سوره بقره مصداق پیدا می‌کند، اضافه بر اینکه معدلات در یک رده تنازلی از «الف» به «لام» و از «لام» به «میم» به ترتیبی که در زیر یاد می‌شود قرار می‌گیرد، یعنی علاوه بر اینکه مجموع این حروف بیش از سایر حروف تهجی در این سوره به کار رفته است این سه حرف به ترتیب، هر یک از آنها فزونتر از دیگری در همین سوره به نظر می‌رسد، به این صورت: الف - ۴۵۹۲ بار، لام - ۳۲۰۴ بار، میم - ۲۱۹۵ بار در این سوره تکرار شده است. و نیز همین سخن در مورد «ا، ل، م» در سوره آل عمران، جریان دارد، بدین صورت: الف - ۲۵۷۸ بار، لام - ۱۸۸۵ بار، میم - ۱۲۵۱ بار در سوره مذکور تکرار شده است. و به همین ترتیب تنازلی «ا، ل، م» در سوره مذکور با معدلاتی بالاتر از بقیه حروف تکرار شده است. همین سخن نیز در «ا، ل، م» سوره عنکبوت جاری است به این ترتیب که: الف - ۷۸۴ بار، لام - ۵۵۴ بار، م - ۳۴۴ بار در این سوره مکرراً آمده است. و به همان ترتیب تنازلی، الف بیش از لام، و لام بیش از میم، و هر یک از آنها با معدلی فراتر از سایر حروف در این سوره به کار رفته است. و همچنین در «ا، ل، م» سوره روم الف - ۵۴۷ بار، ل - ۳۹۶ بار، م - ۳۱۸ بار تکرار شده است. به همین ترتیب تنازلی الف - بیش از لام، و لام بیش از میم، و هر یک از آنها با معدلاتی فزونتر از سایر حروف تهجی در سوره مذکور تکرار شده است. و نیز همین وضع و ترتیب در «ا، ل، م، ر» سوره رعد: الف - ۶۲۵ بار، لام - ۴۷۹ بار، میم - ۲۶۰ بار، راء - ۱۳۷ بار، تکرار شده است. و رقم حروف، دارای همان ترتیب تنازلی است که این حروف به ترتیب در قرآن آمده است. در تمام سوره‌هایی که با حروف «ا، ل، م» آغاز شده است، سوره‌های مکی در معدلات ریاضی خود بر سایر سوره‌های مکی - از نظر تکرار این حروف - بالاتر می‌باشد. و نیز سوره‌های مدنی دارای معدلات ریاضی فراتر در استعمال این حروف - نسبت به بقیه سوره‌های مدنی است. و بدین سان سوره‌هایی که با حروف «ا، ل، ر»

آغاز شده‌اند و این سوره‌ها عبارتند از:

ابراهیم، یونس، هود، یوسف و حجر - که چهار سوره از این سوره‌ها از نظر تاریخ نزول، پی هم قرار دارند - اگر برخی از این سوره‌ها با برخی دیگر منضم کردند عقل الکترونی (کامپیوتر)، بالاترین معدلات را در رابطه با توارد و تکرار حروف «ا، ل، ر» نسبت به تمام سوره‌های مکی موجود در قرآن نشان می‌دهد.

به عنوان مثال «ا، ل، م، ص» در سوره اعراف را در نظر می‌گیریم. کامپیوتر به ما می‌گوید: معدلات این حروف، بالاترین معدلاتی است که در سوره اعراف موجود است و از لحاظ ریاضی و رقم بر تمام سوره‌های مکی قرآن تفوق و فزونی دارد. و در سوره «طه» می‌بینیم، حرف «ط» و حرف «ه» با معدلاتی تکرار شده‌اند که بر تمام سوره‌های مکی فزونی دارد. اما در سوره «یس» ملاحظه می‌کنیم که همین نکته و ترتیب در آن به چشم می‌خورد، منتهی برعکس؛ زیرا ترتیب حروف در «یس» به عکس ترتیب حروف تهجی است، یعنی «یاء» - که در ترتیب حروف تهجی در مرتبه‌های پس از سین قرار دارد - در «یس» قبل از سین قرار گرفته است، لذا تکرار و توارد حرف «یاء» و حرف «سین» را در این سوره با رقم‌هایی کمتر از توارد و تکرار آنها در تمام سوره‌های قرآن اعم از مکی و مدنی می‌بینیم.

سپس برادر، رشاد خلیفه دلالت و نقش جالبی را برای عدد ۱۹ در قرآن کشف می‌کند و معتقد است که خداوند متعال با این رقم علیه ملحدان و کسانی که می‌گویند قرآن کریم دست آورد انسان است اقامه حجت فرموده است چنانکه همین مطلب در سوره مدثر آمده است: او اندیشید و سنجید و اوج گرفت؛ پس گشته شد چگونه سنجید، سپس گشته شد چگونه سنجید، سپس نگریست، و از پی آن چهره دژم نمود و روی درهم کشید، سپس پشت کرد و کبر ورزید، پس گفت: این، جز جادویی که در می‌رسد چیز دیگری نیست، این جز گفتار بشر سخنی دگر نمی‌باشد، قریباً طعم دوزخ را بدو می‌چشانیم، ولی تو نمی‌دانی که دوزخ چیست؟ نه به جای می‌گذارد و نه فروهد، پوست را دگرگون ساز است، نوزده تن بر آن گمارده شده‌اند، و ما یاران آتش و خازنان آن را جز فرشته قرار ندادیم، و نیز شمار آنها را جز به عنوان آزمایش مردمی که کفر

ورزیدند مقرر نساختمیم تا مردمی که کتاب آسمانی به آنها داده شده است یقین و قاطعیت کسب کنند، و اهل ایمان بر مراتب ایمانشان بیفزایند، و اهل کتاب آسمانی و نیز مؤمنان دچار تردید و دودلی نگردند... (مدثر/ ۱۸ - ۳۱).

این رقم ۱۹ «تسعة عشر» که در این سوره جلب نظر می‌کند به عنوان امتحان و آزمونی شناسانده شده است و برهان و حجت و دلیل دندان شکنی است علیه کسانی که می‌گویند قرآن کریم، ساخته و پرداخته بشر است... نقش جالب این رقم در قرآن کریم مؤمنان را از نظر ایمانی و تصدیق به آسمانی بودن این نبشتار تقویت می‌کند.

استاد رشاد خلیفه این معما را تفسیر می‌کند و می‌گوید: آیه «بسم الله الرحمن الرحیم» پس از آیات مذکور در سوره مدثر، آیاتی که فوقاً از آنها یاد کردیم - طبق شهادت تاریخ نزول آیات - نازل گردیده است. این آیه از ۱۹ حرف تشکیل شده است، علاوه بر اینکه هر کلمه‌ای از این آیه یعنی «بسمله»، نوزده بار و یا چند برابر رقم نوزده تکرار گردیده است.

کلمه «اسم» نوزده بار در قرآن تکرار شده است.

کلمه «الله»  $19 \times 143 = 2698$  بار آمده است.

کلمه «الرحمن»  $19 \times 3 = 57$  بار تکرار شده است.

کلمه «الرحیم»  $19 \times 6 = 114$  بار، تکرار گردیده است.

علاوه بر این، تمام حروف مقطعه‌ای که در اوائل بسیاری از سوره‌های قرآن آمده است با حاصل ضرب رقمهایی با رقم نوزده منطبق می‌باشد مثلاً:

حرف «قاف» در سوره «ق»  $57$  بار یعنی مطابق حاصل ضرب  $19 \times 3$  تکرار

شده است.

حروف «ک، ه، یاء، ع، ص = کهیعص» در سوره مریم  $19 \times 42 = 798$  بار

حرف «نون» در سوره «ن والقلم»  $19 \times 7 = 133$  بار.

دو حرف «یاء» و «سین» در سوره «یس»  $19 \times 15 = 285$  بار.

دو حرف «طاء» و «هاء» در سوره «طه»  $19 \times 18 = 342$  بار.

دو حرف «حاء» و «میم» در تمام سوره‌هایی که با «حم» آغاز شده‌اند

۱۹ × ۱۱۴ = ۲۱۶۶ بار.

حروف «ع، سین، قاف = عسق» در سوره شوری ۱۹ × ۱۱ = ۲۰۹ بار.

۱۹ × ۴۲ = ۷۹۸ بار.

حروف «الف، لام، میم، ر = المر» در سوره رعد ۱۹ × ۷۹ = ۱۵۰۱ بار.

علاوه بر این، کلمات:

بسم الله الرحمن الرحيم (بسمله) = دارای ۱۹ حرف، و لاحول و لاقوة الا بالله

(حوقله) دارای ۱۹ حرف می‌باشند.

بِسْمَلِهِ وَ حَوْقَلِهِ، کلماتی هستند که فرد با ایمان به وسیله آنها از شر و گزند زبانیۀ عذاب و خازنان دوزخ از امان و مصونیت برخوردار می‌گردد. همان خازنانی که پروردگار ما در سوره مدثر، از آنان با رقم و شمار نوزده یاد کرده است:

ساصليه سقر، وما ادریک ماسقر، لاتبقی ولا تبقی ولا تذز، لَوَاحِةٌ لِلْبِشْرِ،

عليها تسعة عشر (مدثر ۲۶ - ۳۰)

آیا همه این سنجیدگیها و ارقامی که از توازن خاصی برخوردارند، تصادفی است.

اگر مسئله بر فرض در یک مورد و در یک سوره تصادفی باشد در مورد سوره‌های دیگر چگونه تفسیر و توضیحی را می‌توانیم اظهار کنیم؟ قوانین و ضوابط احتمال ذاتاً تکرار همه جانبه و فراگیر تصادف را - آن هم با چنان تواتر و توالی و شمول - نفی می‌نماید. ناگزیر باید گفت که توارد و تکرار این حروف با رقمهایی حساب شده از یک ترتیب مورد نظر و توجه بهره‌مند است.

امکان ندارد، نویسنده کتابی پیش از شروع به تألیف آن، قرار بر آن گذارد که من

فلان حرف و فلان حرف را در نوشته خود با فلان رقم تکرار خواهم کرد، و یا در مقالات خود تصمیم می‌گیرم که مجموعه‌های فلان حروف آن از چند برابر رقم نوزده تجاوز نکند. علاوه بر این، قرآن به صورت متفرق و تدریجاً در طی مدت ۲۳ سال نازل گردید، و آیات آن بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گاهی از وسط سوره نزول می‌یافت و آن حضرت اوائل و اواخر آن سوره را نمی‌دانست. سپس بعد از گذشت مدتی - که گاهی بیست سال طول می‌کشید - سوره مذکور تکمیل می‌گردید. بنابراین محال

است که قرآن کریم ساخته و پرداخته خود رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) باشد. بلکه می توان گفت: آماری که کامپیوتر در اختیار ما قرار می دهد اشتباهاتی را که در آمارگیریهای المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم و کشف الآیاتها وارد شده است، تصحیح کرده و جامعیت ضوابط آماری یاد شده ما را تأیید می نماید.

سپس باید برگردیم و دست اندر کار کشف مقابلات ریاضی قرآن کریم شویم که این مقابلات در موازات مقابلات لفظی و واژه ها و مفاهیم این کتاب مقدس قرار دارد. این مقابلات در حد گسترده ای نظرها را به خود جلب می کند. لذا می بینیم که واژه «حیات» و مشتقات آن ۱۴۵ بار در قرآن کریم تکرار شده است و در مقابل، واژه «موت» و مشتقات آن نیز ۱۴۵ بار در قرآن به کار رفته است.

کلمه «دنیا» ۱۱۵ بار، و کلمه آخرت نیز ۱۱۵ بار.

کلمه «ملائکه» ۸۸ بار در قرآن کریم یاد شده است و در مقابل، کلمه «شیاطین»

نیز ۸۸ بار ذکر گردیده است.

کلمه «حَرَّ = گرما» ۴ بار و کلمه «بَرَد = سرما» نیز ۴ بار.

بدین سان «مصائب» و آسیبها ۷۵ بار، و «شکر» نیز ۷۵ بار.

زکات ۳۲ بار، و برکات هم ۳۲ بار.

عقل و مشتقات آن ۴۹ بار و نور و مشتقات آن نیز ۴۹ بار.

آیا این مقابلات هماهنگ، اتفاقی و تصادفی است؟ یا اینکه اشاره به چهره دیگر از چهره های اعجاز این نبشتر استوار بنیاد از لحاظ لفظ و معنی و حروف و اعداد می باشد. این اسرار، چنانکه گفتیم، اشارات و دلالتها و رهنمودهایی است که شبهه ساختگی بودن را به طور قاطع از سیمای قرآن کریم می زداید. پس علی هذا هیچ مؤلف و نویسنده ای نمی تواند در ذهن خود، حروف و اعدادی را رده بندی کند و سپس براساس آن رده بندی، مقالات و گفتارهایی را تنظیم نماید.

رسول گرامی اسلام، (صلی الله علیه و آله) در برابر هیچ کسی مدعی وجود نوعی از اعجاز عددی در کتاب خود - که دست آوردی الهی بوده است - نبوده؛ بلکه به عکس، آن حضرت از اشتغال مردم به علم حروف و اعداد در زمان خود نهی می فرمود.

آیا ما با ابوابی از علم جدید مواجه هستیم؟

بعضی با دید تحقیر و ناباوری به این نظریه آماری حروف و کلمات قرآن می‌نگرند، و می‌گویند: این گونه آمارگیری نتیجه تصرف و دخالت تلاوت کننده قرآن درباره معانی و مفاهیم این کتاب مقدس است، و از فتح باب در این زمینه، بیمناک می‌باشد.

ما هیچ کسی را بر آن نمی‌داریم که از فهم قرآن روی برگردانده و به شمارگری حروف قرآن کریم روی آورد. کامپیوتر هم، دستگاهی نیست که در دسترس همه تلاوت کنندگان قرآن قرار داشته باشد. پس بنابراین، اشکال و خرده‌گیری مذکور، بیجا است و بیم و ترس نیز در این زمینه، بی‌مورد خواهد بود.

نگرش به قرآن کریم از این زاویه عبارت از کوششی است که در برابر ما ملاحظاتی را طرح می‌کند. لازم است منکران و به بیراهه افتادگان در این مورد برای ما تفسیر و توضیحی یاد کنند. در حالی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) راجع به قرآن کریم فرموده است: «کتابی است که شگفتی‌های آن پایان نمی‌گیرد». و این سامان و سازمان آماری یکی از شگفتی‌های این نبشتار آسمانی است.

پروردگار ما فرمود: خدایی که کتاب را هماهنگ با حق و میزان و به گونه‌ای سنجیده بر پیامبرش فرو فرستاد (شوری / ۱۷) چه میزانی؟ میزانی و سنجشی که بسیار دقیق است و موی باریک و حرف و عدد را دقیقاً سنجش می‌کند. این اعجاز حرفی و عددی قرآن، پدیده‌ای است که شایان اهتمام و عنایت می‌باشد.